



Jurisprudential and Legal Analysis of Ownership of Urban Solid Waste

Dr. Esmail Nematollahi 

Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran

Email: esmail_nematollahi@yahoo.com

Abstract

Any seemingly useless object that no longer meets its owner's needs and is regarded as waste or garbage can, in fact, be regarded as a valuable commodity in today's world; something often referred to as "dirty gold" or "black gold". Some types of waste are transformed into valuable commodities after being recycled, some are used for incineration and production of energy in power plants, and organic waste may be utilized for producing fertilizers and compost. Usually, once the owner of the waste refuses it and places the waste beside or inside a trash bin, the responsible authorities (typically the municipality or its affiliated companies) collect the waste. Occasionally other individuals may remove certain items from the trash bins, which can lead to disputes and conflicts between these individuals and the owners of trash bins. At a broader level, ownership issues arise after the waste is collected, accumulated, and recycled. However, the legal system of Iran lacks regulations addressing the ownership of waste. Given this legal gap and the absence of prior research on the matter, resolving disputes (at macro or micro levels) in this matter requires a comprehensive investigation.


Keywords: waste, garbage, abandonment, ownership, *Hiyāzat* (acquisition)





HomePage: https://jfiqh.um.ac.ir/	سال ۵۶ - شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۳۹ - زمستان ۱۴۰۳، ص ۲۷۷ - ۲۵۹	
شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۲۶	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۴
DOI: https://doi.org/10.22067/jfiqh.2023.81496.1557	نوع مقاله: پژوهشی	

بررسی فقهی و حقوقی مالکیت پسماندهای جامد شهری

دکتر اسماعیل نعمت‌اللهی 

دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

Email: esmail_nematollahi@yahoo.com

چکیده

امروزه هر شیء به ظاهر بی‌فایده‌ای که نمی‌تواند نیازهای مالک را پاسخ دهد و پسماند یا زباله تلقی می‌شود، می‌تواند کالایی ارزشمند و به تعبیری طلای کثیف یا سیاه محسوب شود. برخی از پسماندها پس از بازیافت به کالاهای ارزشمندی تبدیل می‌شوند؛ برخی از زباله‌ها برای سوختن و تولید انرژی در نیروگاه‌ها به کار گرفته شده و پسماندهای خوراکی ممکن است برای تولید کود و کمپوست استفاده شوند. پس از آنکه مالک پسماند از آن دست کشید و آن را در کنار سطل یا داخل زباله قرار داد، به طور معمول، نهاد متصدی که ممکن است شهرداری یا شرکت تابع آن باشد اقدام به جمع‌آوری پسماند می‌کند و گهگاه اشخاص دیگری اقدام به برداشتن برخی از زباله‌ها از سطل‌های مذکور می‌کنند. این امر ممکن است موجب بروز اختلاف و نزاع بین این اشخاص و مالک سطل‌های زباله شود. در سطح کلان‌تر نیز پس از جمع‌آوری زباله‌ها و انباشت و بازیافت، مسئله مالکیت آن‌ها مطرح می‌شود. حقوق کشورمان فاقد مقرراتی در خصوص مالکیت پسماند است و باتوجه به خلأ قانونی و عدم پیشینه تحقیقی در این خصوص، حل اختلافات در سطح خرد و کلان نیازمند بررسی جامعی است.

واژگان کلیدی: پسماند، زباله، اعراض، مالکیت، حيازت.

کاربردهای فراوانی که امروزه برای اقسام زباله و پسماند وجود دارد، پسماند را به کالایی با ارزش تبدیل کرده است که به آن طلای کثیف یا طلای سیاه اطلاق می‌شود: «بیزینس طلای کثیف یا همان ضایعات، امروزه در کشور ما هم یکی از پرسودترین تجارت‌های موجود می‌باشد.»^۱ «امروزه تفکیک، بازیافت و استفاده از زباله با عنوان طلای سیاه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه پایدار برای کشورها^۲ محسوب می‌شود و تولید برق از زباله در کشورهای توسعه‌یافته به‌دقت، با سرعت و قانونمند مورد تحقیق، بررسی و اجرا قرار گرفته است.»^۳ همچنین، «براساس یک مطالعه جامع توسط سازمان بهداشت جهانی، عدم توجه به جمع‌آوری و دفع صحیح زباله می‌تواند ۳۲ مشکل زیست‌محیطی را فراهم نماید... یکی از راه‌حل‌های بسیار مؤثر برای مبارزه و خنثی‌سازی اثرات نامطلوب زباله‌های تر، تبدیل آن‌ها به کود است.»^۴

کاربردهای فراوان پسماند سبب تردید و اختلاف در مالکیت آن شده است. مسئله مالکیت پسماند در برخی از کشورها به حکم قانون حل و فصل شده است. برای نمونه، ماده ۷ قانون مدیریت پسماند عربستان مقرر می‌دارد: «مالکیت پسماند در دو مورد زیر به دولت منتقل می‌شود: ۱. قراردادن زباله در ظروف تعیین شده برای آن یا در نزدیکی آن؛ ۲. قراردادن پسماند در هر مکان عمومی برای نگهداری یا در مکان‌های دفع ایمن. این مرکز حق دارد زباله‌ها را به‌گونه‌ای دفع کند که پایداری مالی حاصل شود و هزینه‌های عملیاتی مراجع ذی‌صلاح را پوشش دهد. مراجع ذی‌صلاح می‌توانند پس از تأیید مرکز، طبق مقررات نسبت به دفع زباله اقدام کنند.»

ماده بیست و چهارم آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور نیز زیر عنوان «فصل دهم: مالکیت پسماند» تصریح می‌کند: «سازمان‌های ذی‌صلاح، مراجع ذی‌ربط و تولیدکنندگان پسماند باید موارد زیر را در نظر بگیرند: ۲۴/۱- کلیه پسماندهای جامد شهری در صورت قرارگرفتن در ظروف تعیین شده یا در مجاورت آن یا در مکانی که معمولاً محل زباله یا متروکه تلقی می‌شود، از اموال وزارت [امور شهرداری‌ها و دهیاری‌ها]، دبیرخانه‌ها و شهرداری‌ها محسوب می‌شوند.» از این گذشته، مطابق ماده ۲۴/۲، جمع‌آوری، حمل،

۱. <https://behroob.ir/articles/articles>، ۱۴۰۲/۰۴/۱۳.

۲. «شاید بتوان کشور سوئد را یکی از موفق‌ترین کشورهای جهان در زمینه بازیافت زباله عنوان کرد. درحالی‌که در سال ۱۹۷۵ تنها ۳۸ درصد زباله‌های خانگی این کشور بازیافت می‌شدند، این میزان درحال حاضر به ۹۹ درصد افزایش یافته است... نخستین کارخانه زباله‌سوزی سوئد در سال ۱۹۰۴ راه‌اندازی شد و درحال حاضر، ۳۲ کارخانه در سراسر این کشور با سوزاندن زباله برق تولید می‌کنند. سوئد در سال ۲۰۱۵، نزدیک به ۲٫۳ میلیون تن از زباله‌های خانگی را از طریق سوزاندن، به انرژی برق تبدیل کرد.» <https://www.zistonline.com/news/79135>

۱۴۰۲/۰۴/۱۳.

۳. <https://www.zistonline.com/news/79135>، ۱۴۰۲/۰۴/۱۳.

۴. <https://etojhi.com/composting-from-urban-waste>، ۱۴۰۲/۰۴/۱۳.

نگهداری، سوزاندن، ضبط، رسیدگی، پردازش، بازیافت یا استفاده از زباله‌های جامد شهری بدون مجوز برای هر شخص حقیقی یا حقوقی ممنوع است.

در مقررات کشورمان، مطابق مواد ۲ و ۷ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳، مدیریت اجرایی پسماندها که شامل اقداماتی مانند جمع‌آوری، جداسازی، بازیافت و دفع آن‌ها می‌شود، باتوجه‌به حوزه جغرافیایی برعهده شهرداری یا دهیاری یا بخشداری است و نهاد مذکور می‌تواند مدیریت اجرایی را به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار کند. این مقررات، صرفاً نهاد متولی مدیریت اجرایی پسماند را تعیین کرده و در خصوص مالکیت آن ساکت است. در عمل، شهرداری‌ها به‌عنوان نهاد اصلی مدیریت اجرایی، مالکیت پسماند را از آن خود و مدیریت اجرایی را سبب ایجاد مالکیت برای خویش می‌دانند. ازسوی دیگر، گهگاه اشخاص عادی که متولی امر پسماند نیستند پسماندهای موجود در سط‌های تعبیه‌شده یا در کنار آن را تصرف می‌کنند و مدعی مالکیت آن می‌شوند و این امر در مواردی موجب اختلاف و درگیری بین اشخاص مذکور و مأموران شهرداری یا انتظامی شده است. بخش عمده‌ای از این اختلافات، ناشی از ابهام در مالکیت پسماند است. در سطح کلان‌تر نیز این مسئله مطرح می‌شود که پسماندهایی که جمع‌آوری شده و در فرایند بازیافت قرار گرفته‌اند متعلق به چه کسی است؟ ازاین‌رو، این مسئله و اختلافات مذکور، لزوم تحقیق درباره این موضوع را توجیه می‌کند.

مسئله مالکیت پسماند، مسئله‌ای حکمی و نیز موضوعی است. از نظر حکمی این نکته درخور بررسی است که آیا اعراض و اباحه، موجب خروج شیء از ملکیت مالک می‌شوند یا نه؟ از نظر موضوعی این تردید وجود دارد که عمل شخص در دست‌کشیدن از پسماند، مصداق اعراض یا اباحه است یا مشمول عنوان حقوقی دیگری است؟ از جهت اول، بررسی احکام و قواعد مالکیت و از جهت دوم، بررسی تفسیر قصد مالک و مالک سطل زباله و نیز تصرف آن توسط اشخاص دیگر مطرح می‌شود.

درباره پیشینه بحث باید گفت: در متون فقهی و نیز ادبیات حقوقی کشورمان، تحقیق مستقلی درباره مالکیت پسماند ملاحظه نمی‌شود. البته لابه‌لای مسائل فقهی و حقوقی نکاتی به چشم می‌خورد که به این بحث ارتباط می‌یابد؛ مانند مسئله اعراض و نیز مالیت و ملکیت‌داشتن مورد معامله که در این تحقیق به آن‌ها اشاره خواهد شد.

باتوجه‌به نکات فوق و خلأ موجود، در بررسی مالکیت پسماند باید به فقه امامیه و قانون مدنی به‌عنوان منابع اصلی احراز مالکیت رجوع شود.

این نوشتار در پی پاسخ به این سؤالات است: گذاردن پسماند در سطل زباله یا کنار آن، ظهور در چه عمل حقوقی دارد؟ آیا اعراض از پسماند سبب خروج آن از ملک مالک می‌شود؟ آیا پسماند با گذاشته‌شدن

در سطل زباله به ملکیت مالک سطل وارد می‌شود؟ آیا اشخاص دیگر غیر از مالک سطل زباله می‌توانند چیزی از محتویات آن را بردارند؟

در مسئله حاضر متغیرهای متعددی وجود دارد که در حکم آن دخیل است. برخی از متغیرهای مهم عبارت‌اند از: نوع پسماند از جهت داشتن یا نداشتن ارزش مالی، محل گذاردن پسماند و قصد مالک پسماند. دو متغیر نخست، در ادامه با تفصیل بیشتر بررسی می‌شود. درباره تأثیر قصد مالک در این بحث می‌توان گفت: قصد مالک از رهاکردن پسماند ممکن است برحسب حالاتی که خواهد آمد اعراض به معنای خاص فقهی و حقوقی محسوب شود اما ممکن است اباحه یا تملیک بلاعوض باشد. دو صورت اخیر را نه تنها نمی‌توان اعراض از ملک تلقی کرد؛ بلکه مالک با این اقدام در واقع سلطه مالکانه خود را اعمال می‌کند.^۵ البته اباحه یا تملیک ممکن است به صورت عام و بدون در نظر گرفتن هیچ جهتی و برای هر شخصی که آن را تصرف کند صورت گیرد و ممکن است مقصود، اباحه یا تملیک به اشخاص خاص، از جمله مالک سطل یا اشخاص نیازمند باشد. هرچند درباره اخیر نیز مالک مال خود را به شخص معینی اباحه یا تملیک نمی‌کند، اما قصد دارد که مال به دست اشخاص فقیر برسد. بنابراین، اباحه یا تملیک از نظر معلوم نبودن مخاطب آن عام است اما با توجه به قصد مالک، که ناظر تملیک یا اباحه به دسته خاصی از اشخاص است، می‌توان آن را اباحه یا تملیک خاص یا جهت‌دار تلقی کرد.

۱. مفهوم مالکیت و حق اختصاص

در این نکته تردیدی نیست که مالکیت از لحاظ فقهی رابطه‌ای بین مالک و مملوک است؛ هرچند که درباره ماهیت این رابطه و اینکه از اعراض است و بر مالک یا مملوک عارض می‌شود یا از امور انتزاعی و منتزَع از حکم تکلیفی جواز تصرفات است یا صرفاً امری اعتباری و تابع جعل است، اختلاف زیادی در بین فقها به چشم می‌خورد.^۶

از لحاظ حقوقی، «مالکیت، کامل‌ترین حق عینی است که انسان می‌تواند بر مالی داشته باشد»^۷ و دارای سه وصف مطلق بودن، انحصاری بودن و دائمی بودن است.^۸ با توجه به این اوصاف سه‌گانه، در تعریف

۵. ایروانی، جمان السلک فی الاعراض عن الملک، ۲۱۷.

۶. نک: حسینی حائری، فقه العقود، ۱/ ۲۹ تا ۲۹؛ نک: جزایری، نظرة فی الحقوق، ۱۱۳؛ اصفهانی، حاشیة کتاب المکاسب، ۱۷۱؛ اصفهانی، الاجارة، ۴۸؛ «الملکية الشرعية والعرفية ليست من الاعراض المقولبة الخارجية حتى تتوقف على موضوع محقق في الخارج بل من الاعتبارات».

۷. کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۱۰.

۸. کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۱۰ تا ۱۰۵.

آن گفته‌اند: «حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین، تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند.»^۹

از نکات مذکور استفاده می‌شود که موضوع مالکیت باید «مال» و «دارای ارزش اقتصادی» باشد.^{۱۰} از این رو، درباره رابطه شخص با شیء فاقد ارزش مالی عرفی یا شرعی نباید به مالکیت تعبیر کرد، به همین دلیل است که در متون فقهی برای بیان چنین رابطه‌ای از «حق اختصاص»^{۱۱} استفاده می‌شود. منشأ حق اختصاص ممکن است حیات شیء فاقد مالیت یا مالکیت سابق باشد. نمونه اخیر جایی است که حیوان مملوک، تلف شود یا گوشت خریداری شده، فاسد شود و از مالیت بیفتد.^{۱۲} در بحث حاضر نیز رابطه شخص با پسماندهایی که فاقد ارزش عرفی هستند ممکن است حق اختصاص تلقی شود.

۲. مفهوم و انواع پسماند

مطابق بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۲۰، «پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می‌شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولیدکننده زائد تلقی می‌شود.» همچنین در سائیتی تخصصی مربوط به خرید پسماند، واژه پسماند و ضایعات، مترادف تلقی شده^{۱۳} و در تعریف ضایعات آمده است: «به طور کلی، ضایعات به محصولات و تولیداتی در صنعت یا یک تولیدی و کارخانه اطلاق می‌شود که یا دارای نقصی در تولید می‌باشند که قابلیت فروش در بازار را نداشته و قابلیت استفاده را ندارد و یا به تجهیزات و موادی اطلاق می‌شود که در اثر آسیب و یا پایان یافتن عمر مفید خود قابلیت خود را از دست داده و دیگر در محل مورد نظر نمی‌توان از آن استفاده کرد.»^{۱۴}

در بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها (۱۳۸۳/۰۲/۲۰)، پسماندها به پنج گروه تقسیم شده‌اند: ۱. پسماندهای عادی که به صورت معمول از فعالیت‌های روزمره انسان‌ها در شهرها، روستاها و خارج از آن‌ها تولید می‌شود؛ از قبیل زباله‌های خانگی و نخاله‌های ساختمانی؛ ۲. پسماندهای پزشکی (بیمارستانی) شامل کلیه پسماندهای عفونی و زیان‌آور ناشی از بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاه‌های

۹. کاتوزیان، اموال و مالکیت، ۱۱۰.

۱۰. شهیدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ۲۸۴.

۱۱. نائینی، منیة الطالب، ۴/۱: ... حق الاختصاص بالنسبة إلى الأشياء الغير المتمولة بالخمر القابل للتخليل فتستی حقاً.»

۱۲. انصاری، حاشیة کتاب المکاسب، ۱۰۶ تا ۱۰۵/۱.

۱۳. «با سرعت گرفتن صنعت و صنعتی شدن تمام جهان، دیگر از بین بردن و حتی دفن این موارد کافی نبود، به همین دلیل صاحبان و رهبران کشورهای صنعتی به فکر مدیریت پسماند و یا همان ضایعات افتادند.» <https://behroob.ir/articles/articles>.

۱۴. <https://behroob.ir/articles/articles>.

تشخیص طبی و سایر مراکز مشابه؛ ۳. پسماندهای ویژه شامل پسماندهایی که به دلیل بالابودن حداقل یکی از خواص خطرناک؛ از قبیل سمیت، بیماری‌زایی، قابلیت انفجار یا اشتعال، خوردگی و مشابه آن به مراقبت ویژه نیاز داشته باشد. آن دسته از پسماندهای پزشکی و نیز بخشی از پسماندهای عادی، صنعتی، کشاورزی که نیاز به مدیریت خاص دارند، جزء پسماندهای ویژه محسوب می‌شوند؛ ۴. پسماندهای کشاورزی شامل پسماندهای ناشی از فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی؛ از قبیل فضولات، لاشه حیوانات (دام، طیور و آبزیان)، محصولات کشاورزی فاسد یا غیرقابل مصرف؛ ۵. پسماندهای صنعتی شامل کلیه پسماندهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی و معدنی و پسماندهای پالایشگاهی صنایع گاز، نفت و پتروشیمی و نیروگاهی و امثال آن؛ از قبیل براده‌ها، سرریزها و لجن‌های صنعتی.

پسماند یا ضایعات براساس اینکه قابلیت استفاده مجدد^{۱۵} و بازیافت^{۱۶} دارند یا ندارند، با ارزش یا فاقد ارزش هستند. از این‌رو، پسماند را می‌توان از لحاظ ارزش مالی به دو دسته کلی تقسیم کرد: ضایعات با ارزش و بازیافت‌شدنی؛ مانند ضایعات آهنی، ضایعات پلاستیکی، ضایعات کاغذی و مقوایی و ضایعات دیگر مواد؛ مانند پارچه و چوب و مصالح ساختمانی که ارزش و قابلیت بازیافت آن چنانی ندارند.^{۱۷}

۳. تعیین قلمرو بحث

ذکر چند نکته برای روشن شدن قلمرو بحث ضروری است:

- ا. در برخی موارد، اشخاص پسماندی مانند کاغذ و پلاستیک و فلزات را با اشخاص خصوصی یا باجه‌های مربوط به شهرداری‌ها معامله می‌کنند؛ این‌گونه موارد از محل بحث خارج است.
- ب. پسماند از لحاظ ماهیت فیزیکی، به پسماندهای جامد و گاز و مایع تقسیم می‌شود. نوع اخیر، شامل فاضلاب‌های شهری است. همچنین، پسماند از لحاظ منشأ تولید نیز به انواع متعددی تقسیم‌شدنی است، از جمله: پسماندهای خانگی یا مسکونی، تجاری و اداری، ساختمانی (اعم از نخاله‌های مربوط به ساخت‌وساز یا تخریب بنا)، زباله‌های بیمارستانی، پسماندهای کشاورزی و زباله‌های هسته‌ای. در این تحقیق، پسماندهای جامد خانگی محل بحث است.
- ج. در مواردی که مالک به اشتباه شیئی را داخل یا کنار سطل زباله گذاشته است، تردیدی نیست که

۱۵. برخی از پسماندها مانند لباس، وسایل خانگی از قبیل تلویزیون، ماشین لباس‌شویی و ظروف آشپزخانه قابل استفاده مجدد هستند. همچنین برای مثال، از شیشه مریا یا خیارشور ممکن است به دلایل بهداشتی نتوان دوباره برای نگهداری مریا یا خیارشور استفاده کرد اما استفاده از آن برای نگهداری حیوانات امکان‌پذیر است.

۱۶. در فرایند بازیافت، مواد غیرقابل استفاده به مواد جدید و قابل استفاده تبدیل می‌شود.

۱۷. نک: <https://behroob.ir/articles/articles> ۱۳/۴/۱۴۰۲.

ملکیت وی نسبت به آن شیء زائل نمی‌شود و مالک می‌تواند پس از پی‌بردن به اشتباه خود آن را بردارد. حق برداشتن مالک در این صورت بر حق سایر افراد حتی مالک سطل زباله مقدم است؛ چراکه هیچ عمل حقوقی که نشانهٔ اعراض، اباحه یا تملیک باشد از مالک سر نزده است.

د. از جمله مبانی اصلی مالکیت پسماند، اعراض از سوی مالک پسماند و حیازت از سوی متصرف بعدی است و از این لحاظ، سه مرحله را می‌توان برای پسماند در نظر گرفت:

مرحلهٔ نخست، عدم خروج پسماند از تصرف مالک: در مواردی که مالک، اشیای کم‌ارزش یا فاقد ارزش مالی را از ملک خود خارج نکرده، بدیهی است که ملکیت وی نسبت به آن‌ها باقی است؛ از این رو، حتی اگر شخصی به اذن قانون یا مالک، مجاز در ورود به ملک مزبور باشد حق ندارد آن اشیای را بردارد؛ چراکه این اشیا بر فرض که به دلیل کم‌ارزش بودن یا فقدان مالیت عرفی، مملوک تلقی نشوند، متعلق حق اختصاص هستند؛ توضیح بیشتر اینکه، اعراض به معنای روی گرداندن است و روی گرداندن مالک از مال خود به دو صورت تحقق‌یافتنی است:

۱. گاه روی گرداندن به این معناست که مالک به دلیل کهنگی یا فرسودگی و امثال آن توجهی به اموال خود ندارد و از آن‌ها استفاده نمی‌کند اما آن‌ها را از حیطة تصرف خود خارج نمی‌کند. در انبار بسیاری از خانه‌ها اموالی از این دست دیده می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که این عدم استفاده و روی گرداندن، عملی موجب خروج از ملک است. از این گذشته، حتی خروج از تصرف مالک بدون قصد اخراج از ملک را هم مشمول همین حکم دانسته‌اند. از این رو، مالی که در دریا غرق می‌شود و مالک امیدوی به تحصیل دوباره آن ندارد در زمرهٔ اموال بدون مالک داخل نمی‌شود.^{۱۸}

۲. گاه مالک با انجام عملی مثبت، مال را از حیطة تصرف خود خارج می‌کند. مسئلهٔ فقهی مورد اختلاف که آیا اعراض از مال، موجب خروج از ملک است یا نه؟^{۱۹} مربوط به همین صورت است. از این رو، پسماندهایی که مالک آن‌ها را از قلمرو تصرف خود خارج نکرده اما عملاً از آن‌ها استفاده نمی‌کند، از ملک وی خارج نمی‌شود و درخور تملک توسط دیگران نیست. همچنین است پسماندهایی که بدون رضایت مالک از تصرف وی خارج شده‌اند. برای نمونه، اگر دولت خانهٔ شخصی را برای احداث خیابان تملک و تخریب کند، نخاله‌های آن در ملک مالک خانه باقی هستند.^{۲۰}

۱۸. محقق داماد، قواعد فقه، ۲/۲۷۱؛ ابروانی، جمان السلك في الإعراض عن الملك، ۲۱۷.

۱۹. محقق حلی، شرائع الإسلام، ۳/۱۶۶.

۲۰. خونی، منهاج الصالحین، ۱/۴۲۸؛ مسئله ۴۶: ما حکم العبور من الشوارع المستحدثة الواقعة على الدور و الأملاك الشخصية للناس التي تستملکها الدولة جبراً و تجعلها طرقاتاً و شوارعاً؟ الظاهر جوازها لأنها من الأموال التالفة عند العرف، فلا يكون التصرف فيها تصرفاً في مال الغير

بدین ترتیب، محل بحث جایی است که مالک، اشیای متعلق به خود را عامدانه از حیطه تصرف خود خارج می‌کند و داخل یا کنار سطل زباله می‌گذارد. درباره اثر اعراض در این‌گونه موارد، دو نظر فقهی ملاحظه می‌شود: به نظر برخی، اعراض موجب خروج مال از ملکیت است. اما به نظر مشهور، مالی که از آن اعراض شده از ملک مالک خارج نمی‌شود. برای نمونه، علامه حلی در این زمینه می‌گوید: صیاد اگر صید را رها کند از ملک وی خارج نمی‌شود، هر چند که قصد اخراج آن از ملک را داشته باشد؛ چراکه قصد اخراج از ملک موجب خروج از ملک نمی‌شود.^{۲۱} شهید ثانی نیز در بیان دلیل این مطلب می‌گوید: همان‌طور که تملک نیازمند سبب شرعی است، خروج از ملک نیز نیازمند سبب شرعی است و از لحاظ شرعی اثبات نشده که صرف قصد از اسباب انتقال مالکیت باشد.^{۲۲} اثر عدم خروج از ملک این است که تا زمانی که مال موجود است مالک می‌تواند به آن رجوع کند. البته طبق هر دو نظر، هر شخصی می‌تواند مال اعراض شده را بردارد و اتلاف آن موجب ضمان نیست. طبق نظر مشهور نیز تصرف و برداشتن آن به قصد تملک، موجب تملک می‌شود.^{۲۳}

مرحله دوم، پسماند پس از جمع‌آوری آن از سطل‌های زباله یا مکان‌هایی که برای جمع‌آوری آن تعبیه شده، به ملکیت متصدی جمع‌آوری داخل می‌شود. بنابراین، صرف نظر از مباحث و تردیدهایی که در ادامه خواهد آمد، پسماند جمع‌آوری شده؛ خواه دارای ارزش مالی یا فاقد آن باشد، از ملک یا حق اختصاص مالک اول خارج می‌شود و در صورتی که در فرایند بازیافت قرار گیرد نمی‌توان گفت که مواد بازیافت‌شده، ملک مشاع مالکان سابق پسماندها تلقی می‌شود یا با توجه به نامعلوم بودن مالکان اولیه، اموال مجهول المالك تلقی می‌شود. قاعده «الزرع للزارع»^{۲۴} نیز در این مورد جریان ندارد؛ چراکه در محل بحث، مالکان اولیه یا دارندگان حق اختصاص، از ملک یا حق اختصاص خود اعراض کرده‌اند؛ درحالی‌که در قاعده مورد بحث، اعراض مالک حبه یا دانه مفروض نیست.

مرحله سوم که موضوع بحث این تحقیق است، بین دو مرحله سوم؛ یعنی فاصله زمانی خروج پسماند از تصرف مالک سابق و قرارگرفتن در فرایند جمع‌آوری است و به تعبیر دیگر، مالکیت پسماند در زمانی

نظیر الكوز المكسور و ما شاکله نعم لأصحابها حق الأولوية، إلا أنه لا يمنع من تصرف غيرهم، و أما الفضلات الباقية منها فهي لا تخرج عن ملك أصحابها، و عليه فلا يجوز التصرف فيها بدون إذنهم و لا شراؤها من الدولة إذا استملكتها غصبا إلا بإرضاء أصحابها.

۲۱. محقق حلی، شرائع الإسلام، ۱۶۶/۳؛ فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، ۱۲۲/۴؛ إذا أطلق الصيد من يده نواياً لقطع ملكه عنه لم يزل عن ملكه مطلقاً لأصالة بقاء الملك، و الاعراض ليس من الأسباب المخرجة لأنه لا نص عليه.

۲۲. شهید ثانی، مسالك الأفهام، ۵۲۴/۱۱ تا ۵۲۶.

۲۳. جمعی از پژوهشگران، موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب اهل البيت (ع)، ۴۳۰/۳.

۲۴. ماده ۳۳ قانون مدنی؛ مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ۱۷۶/۹.

است که مالک آن را در کنار یا داخل سطل های زباله یا مکان های تعبیه شده برای جمع آوری پسماند قرار می دهد.

۴. بررسی حکم مسئله

چنان که درباره متغیرهای این مسئله گفته شد، مناسب است که مالکیت پسماند براساس ارزش مالی و نیز محل قرارداشتن آن بررسی شود.

۴.۱. براساس ارزش مالی پسماند

پسماند را از لحاظ ارزش مالی می توان به دو نوع تقسیم کرد:

ا. پسماندهایی که عرفاً دارای ارزش مالی هستند. برای نمونه، پسماند ممکن است فرش، کمد، میز و صندلی، میل و این گونه وسایلی باشد که برحسب مورد، ارزش مالی کم یا زیادی دارند و مالک به دلیل عدم نیاز، آن ها را در سطل زباله یا کنار آن قرار می دهد. منظور از عدم نیاز این است که این گونه اشیا، دیگر نیاز مالک را برآورده نمی سارند؛ به این دلیل که مثلاً فرش یا مبلی معیوب می شود یا از مد می افتد یا متناسب با ابعاد اتاق یا سالن پذیرایی خانه نیست. همچنین است لباس، کفش، وسایل منزل که به دلیل کهنگی یا مطابق مدل روز نبودن و امثال آن از آن ها صرف نظر می شود. این اشیا ممکن است مثلاً به سمساری فروخته شود و در مقابل آن وجهی دریافت شود اما مالک ترجیح می دهد که آن را داخل یا کنار سطل زباله بگذارد. اشیا کم ارزش تری مانند کاغذ و مقوا، پلاستیک، فلزات نیز از همین دسته اند.

ب. پسماندهایی که در عرف عام فاقد ارزش مالی هستند و مالک به منظور خلاص شدن از شر مزاحمت، آلودگی و غیربهداشتی بودن، بوی بد و امثال آن، آن ها را به اصطلاح عرفی دور می ریزد. محتویات سطل زباله آشپزخانه یا سنگ و کاشی شکسته و گچ و سیمان مصرف شده (نخاله های ساختمانی) معمولاً این گونه اند. البته برخی از همین نوع زباله ها نیز با توجه به کاربردهای مختلفی که امروزه برای آن ها وجود دارد، در عرف خاص اشخاصی که با آن ها سروکار دارند به صورت کنونی شان و پس از انباشته شدن به مقدار زیاد یا پس از طی کردن فرایند بازیافت دارای ارزش مالی تلقی می شوند. نمونه این دسته، زباله هایی است که برای تولید برق یا تولید کود و کمپوست انباشته می شوند. اما مهم این است که این اشیا طبق فرض هنگامی که مالک از آن ها اعراض می کند، در نظر عرف عام، نه تنها فاقد ارزش هستند؛ بلکه ممکن است اشیا یا مزاحم یا غیربهداشتی تلقی شوند.

محل بحث در این تحقیق زباله های دسته اول است، هرچند به مناسبت ممکن است به حکم دسته دوم نیز اشاره شود.

۲.۴. براساس محل قراردادش پسماند

حکم مالکیت پسماند تا حد زیادی به محل قرارگرفتن آن مربوط می‌شود. آنچه از لحاظ بحث حاضر اهمیت دارد، چند حالت زیر است:

۱. قراردادش در تصرف مالک؛

۲. قرارداد در سطل‌های متعلق به اشخاص خصوصی؛

۳. قرارداد داخل سطل‌های زباله متعلق به شهرداری؛

۴. قرارداد کنار سطل‌های زباله متعلق به شهرداری.

در سه حالت اخیر، پسماند از تصرف مالک آن خارج می‌شود. بحث مهم درباره این حالت‌ها، ماهیت رفع ید مالک از پسماند و خارج کردن آن از قلمرو تصرف و سلطه است. احتمالات متعددی درباره ماهیت این عمل وجود دارد، از جمله اینکه:

۱. ممکن است برحسب نیت مالک و محل قرارداد پسماند، اعراض از ملک یا اباحه یا تملیک بلاعوض تلقی شود.

۲. ممکن است ایجابی از سوی مالک به تملیک یا قرارداد رایگان دیگری تلقی شده که از ناحیه شهرداری یا اشخاص دیگر قبول می‌شود.

۳. ممکن است قصد مالک در هنگام گذاردن پسماند در سطل زباله، اعراض یا ایجاد اباحه انتفاع نباشد و صرفاً سپردن آن به روند جمع‌آوری باشد. راجع به این حالت، دو احتمال وجود دارد: ا. ممکن است اقدام به واگذاری پسماند، نوعی واقعه حقوقی تلقی شود و با قرارگرفتن در فرایند جمع‌آوری و بازیافت، ازاله مالکیت یا اعراض بر آن صدق کند؛ ب. ممکن است اقدام اشخاص به بیرون‌گذاردن پسماند، صرفاً واقعه‌ای حقوقی تلقی شود و اثر آن بقای مالکیت باشد که با ادامه فرایند جمع‌آوری و بازیافت، در حکم مال مشاع یا مجهول‌المالک قلمداد شود.

به هر حال، در صورتی که نتوان قصد اصلی طرفین را در این خصوص احراز کرد، باید به ادله دیگر، از جمله ظهور عرفی و اصل یا قاعده استصحاب رجوع کرد.

در ادامه، حکم مالکیت پسماند در حالت‌های بالا بررسی می‌شود.

۲.۴.۱. قراردادش در تصرف مالک

اشیایی که در تصرف مالک قرار دارند و مالک از آن‌ها عملاً اعراض کرده به سه دسته تقسیم‌شدنی است:

ا. اشیای دارای مالیت عرفی: در برخی موارد، مالک از برخی اموال خود استفاده نمی‌کند اما هنوز آن

ها را از سلطه خود خارج نکرده است. راجع به این گونه اموال تردیدی نیست که مال از ملک مالک خارج نمی‌شود.^{۲۵} از این رو، ممکن است اسباب و لوازم فرسوده در انبار مالک یا چوب و هیزم در باغ وی یا قطعات یدکی در گاراژ مالک وجود داشته باشد و مالک عملاً به آن‌ها توجه نکند اما تا زمانی که در انبار، باغ یا پارکینگ است اعراض به معنای خاص فقهی و حقوقی بر آن‌ها صدق نمی‌کند. پسماندهایی که در عرف «صنایعات» نامیده می‌شوند؛ مانند پلاستیک و کاغذ و مقوا نیز در همین دسته قرار می‌گیرند.

ب. برخی از اشیا، فاقد ارزش عرفی هستند و طبق اصطلاح فقهی و حقوقی، ملک به معنای خاص تلقی نمی‌شوند اما متعلق حق اختصاص متصرف هستند و از این رو، هیچ شخصی حق ندارد بدون اذن متصرف آن‌ها را بردارد. البته در صورتی که شخصی اقدام به برداشتن آن‌ها کند، با توجه به اینکه طبق فرض عرفاً فاقد ارزش هستند ضمانی متوجه شخص دارنده نمی‌شود. نداشتن ارزش عرفی ممکن است به دلیل کمی آن باشد؛ مانند یک دانه گندم یا حقارت و پستی^{۲۶} یا نجاست آن. نمونه دو مورد اخیر، لاشه حیوان مرده‌ای است که قبل از مرگ در تملک شخص بوده و نیز آب انگوری است که به شراب تبدیل شده است.^{۲۷}

ج. برخی از اشیا فاقد مالیت عرفی، نه تنها ملک متصرف؛ بلکه متعلق حق اختصاص او نیز به شمار نمی‌روند. برای این مورد به فضولات انسان مثال زده‌اند. امام خمینی در این باره با رد نظری که فضولات شخص را متعلق حق اختصاص او می‌داند، می‌نویسد: اطلاق این سخن پذیرفتنی نیست. از این رو، آب دهان^{۲۸} انسان که روی زمین می‌افتد، نه مملوک اوست و نه متعلق حق اختصاص وی و قصد اعراض یا عدم اعراض وی نیز در این جهت تأثیری ندارد. به نظر امام خمینی، ملکیت و حق اختصاص نسبت به شیئی تابع منفعت داشتن آن شیء است و چیزی که هیچ‌گونه منفعتی ندارد و هیچ‌کس قصد تحصیل و

۲۵. ایروانی، جمان السلسک فی الإعراض عن المملک، ۲۱۷؛ و آئی مجال لتوهم أنّ مجرد ترک معامله المملکة مع المملوک یوجب خروجه عن المملک و إلا خرج أغلب المحقرات عن ملک أربابها.

۲۶. انصاری، کتاب المکاسب، ۹/۴؛ شهیدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، ۳۱۴.

۲۷. قزوینی، ینایع الأحکام، ۴۵/۲؛ خمینی، تحریر الوسيلة: ۴۹۳/۱ تا ۴۹۴؛ مسئله ۲: الأعیان النجسة عدا ما استثنی و إن لم یعامل معها شرعا معاملة الأموال، لکن لمن کانت هی فی یدہ و تحت استیلاہ حق اختصاص متعلق بها ناش اما من حیازتها أو من کون أصلها مالا له و نحو ذلك، کما إذا مات حیوان له فصار میتة أو صار عنبه خمر، و هذا الحق قابل للانتقال إلى الغير بالارث و غیره، و لا یجوز لأحد التصرف فیها بلا إذن صاحب الحق، فیصح أن یصالح علیه بلا عوض، لکن جعله عوضاً لا ینخلو من إشکال، بل لا یبعد دخوله فی الاکتساب المحظور، نعم لو بذل له مالاً لیرفع یدہ عنها و یعرض فیحوزها الباذل سلم من الإشکال نظیر بذل المال لمن سبق الی مکان من الامکنة المشتركة کالمسجد و المدرسة لیرفع یدہ عنه فیسکن الباذل.

۲۸. در متن عربی به جای «آب دهان» کلمه دیگری آمده است.

گردآوری آن را نمی‌کند، مملوک یا متعلق حق اختصاصی هیچ شخصی نیست.^{۲۹} برخی از زباله‌هایی که طبع انسان‌های متعارف از آن‌ها روی‌گردان است و جزو «خبثات»^{۳۰} به شمار می‌روند نیز می‌توانند در این دسته قرار گیرند.

۴. ۲. ۲. ۴. قراردادن در سطل‌های متعلق به اشخاص خصوصی

در برخی موارد، اشخاص ممکن است سطل‌هایی را برای جمع‌آوری پسماندها نصب کنند. برای نمونه، در برخی از مجتمع‌های مسکونی، نگهبان یا سرایدار یا اشخاصی دیگر ممکن است سطل‌هایی را برای جمع‌آوری پسماندهایی که عرفاً دارای ارزشی هرچند اندک‌اند؛ مانند نان خشک، پلاستیک، کاغذ و مقوا قرار دهند یا مکان‌هایی را برای گذاردن آن‌ها تعیین کنند. از لحاظ تحلیلی و باتوجه‌به اینکه هدف مالک سطل این است که اشخاص پسماندهای خود را داخل آن قرار دهند، قصد مالک را می‌توان به چند گونه تفسیر کرد:

ایجاب: به این صورت که قراردادن سطل، ایجابی عام برای تملک یا ایجاد حق تقدم در تملک رایگان محسوب شود و گذاردن پسماند توسط مالک، قبول آن ایجاب تلقی شود.

قبول مقدم: به این صورت که گذاردن سطل، قبول مقدم نسبت به ایجاب مالک پسماند دربارهٔ اباحه یا تملیک مجانی آن و گذاردن پسماند توسط مالک، ایجاب مؤخر محسوب شود.

حیازت: به این معنا که، مالک سطل قصد داشته باشد با گذاردن سطل، اشیایی را که داخل آن گذاشته می‌شود حیازت کند؛ همان‌طور که نصب شبکه ماهیگیری در آب و قرارگرفتن ماهی در آن یا تعبیهٔ برج کبوتر و قرارگرفتن کبوتر بدون مالک در آن، حیازت تلقی می‌شود.^{۳۱} حیازت در این فرض، هنگامی موجب تحقق مالکیت می‌شود که گذاردن پسماند، اعراض از آن محسوب شود.

در هر سه حالت مذکور، اشیای مذکور به مالکیت سطل وارد می‌شود و اشخاص دیگر غیر از مالک سطل نمی‌توانند آن‌ها را بردارند و تملک کنند.

۴. ۲. ۳. گذاشتن داخل سطل‌های زباله متعلق به شهرداری

برخی از نکاتی که دربارهٔ حالت سابق گفته شد نسبت به این حالت نیز صادق است، اما تفاوت مهمی که بین این حالت و حالت بالا وجود دارد این است که اولاً، شهرداری یا متصدی جمع‌آوری زباله از لحاظ

۲۹. خمینی، مکاسب المحرمه، ۲۴۲/۱: ... فما رتبا يقال: إن للإنسان حق اختصاص بالنسبة إلى فضلاته، ليس وجهاً على إطلاقه. فالنخامة الملقاة على الأرض ليست ملكاً لصاحبها، ولا له حق اختصاص بها، أعرض عنها أم لم يعرض. وبالجملة، اعتبار الملكية وحق الاختصاص تابع لجهة من جهات المصالح، و ما لا نفع فيه مطلقاً ولا غرض لأحد في اقتنائه لا يعتبر ملكاً ولا مختصاً بأحد.

۳۰. خمینی، توضیح المسائل، ۵۹۷/۲.

۳۱. ماده ۱۸۱ قانون مدنی.

قانونی مکلف به جمع‌آوری زباله است و هدف از نصب سطل‌های زباله را ممکن است نتوان به راحتی عملی حقوقی، مانند ایجاب و قبول یا حیازت محتویات آن قلمداد کرد.^{۳۲} به تعبیر دیگر، قصد شهرداری یا متصدی مزبور از نصب سطل زباله سودجویی و کسب درآمد از راه تملک محتویات آن نیست، بلکه اجرای تکلیفی است که قانون در راستای مدیریت پسماند برعهده وی گذارده است. سود و درآمدی که ممکن است عاید شهرداری یا متصدی شود، منفعتی تبعی است که به تبع و به مناسبت انجام تکلیف، نصیب وی می‌شود. از این رو، حتی اگر اقدام به جمع‌آوری پسماند هیچ سودی برای شهرداری نداشته باشد، باز هم باید به این تکلیف خود عمل کند. توضیح بیشتر در ادامه خواهد آمد.

ثانیاً، برخلاف حالت فوق، که به طور معمول اشیایی که داخل سطل گذاشته می‌شود عرفاً دارای ارزش هستند، محتویات سطل‌های متعلق به شهرداری ممکن است دارای ارزش عرفی نباشد و صرفاً اشیایی غیربهداشتی و مزاحم تلقی شوند.

با این حال، درباره این حالت می‌توان بین حکم اشیای بی‌ارزش و اشیای دارای ارزش تفکیک کرد:

ا. اشیای بی‌ارزش: درباره این‌گونه اشیاء، مالک با بیرون‌کردن آن از قلمرو تصرف خود، از آن‌ها اعراض یا از حق اختصاص خود نسبت به آن‌ها چشم‌پوشی می‌کند. بنابراین، محتویات سطل زباله به قلمرو اختصاصی مالک سطل داخل می‌شود و دیگران نمی‌توانند آن‌ها را تصرف کنند.

ب. اشیای دارای ارزش: در صورتی که پسماند عرفاً دارای ارزش مالی باشد و مالک آن را داخل سطل قرار دهد، ظهور عرفی قصد وی، اعراض از ملک است. در این‌گونه موارد که شیء داخل سطل قرار داده می‌شود معمولاً قصد تملیک یا اباحه به مالک سطل به ذهن مالک خطور نمی‌کند. بنابراین، پس از اعراض مالک، مال اعراض شده در زمره مباحات قرار می‌گیرد اما قصد مالک سطل نیازمند بررسی است:

ممکن است گفته شود که در این حالت نیز قرارداد سطل زباله همانند نصب تور یا شبکه برای صید ماهی، اقدام برای حیازت محسوب شود و به محض اینکه مالی در آن قرار داده شود، به ملک مالک سطل وارد می‌شود. اما احتمال قوی‌تر این است که اقدام به نصب سطل‌های عمومی زباله صرفاً در راستای جمع‌آوری زباله و فاقد وصف اعمال حقوقی مانند ایجاب و قبول یا حیازت است. این اقدام صرفاً عملی اداری است که متصدی جمع‌آوری زباله مانند شهرداری، برای آن و سایر اعمال و اقدامات عمومی، علاوه بر برخورداری از بودجه دولتی، از شهروندان نیز عوارضی سالیانه دریافت می‌کند. در این صورت، صرف

۳۲. این سخن که نمی‌توان اقدام شهرداری را نوعی عمل حقوقی از قبیل ایجاب و قبول یا حیازت تلقی کرد به این دلیل نیست که نمی‌توان برای اجرای تکلیف واجب دستمزد دریافت کرد (نک: انصاری، کتاب المکاسب، ۱/۲۴۵)؛ چراکه تملک پسماند اجرت اجرای تکلیف محسوب نمی‌شود، بلکه از آثار تبعی اجرای تکلیف است.

جمع‌آوری زباله موجب تملک آن نمی‌شود و اشخاص نیازمند می‌توانند آن‌ها را بردارند و تملک کنند. بسیاری از افراد که مبادرت به برداشتن اشیاء از داخل سطل‌های عمومی زباله می‌کنند همین تصور را دارند. درست است که بسیاری از آن‌ها ممکن است به صورت مخفیانه یا شبانه اقدام به برداشتن زباله از سطل کنند اما مقصود آن‌ها حفظ حیا و آبرو یا ترس از مزاحمت مأمور شهرداری یا نیروی انتظامی است و تصور آن‌ها نیست که مال متعلق به غیر را سرقت می‌کنند.

۴.۲.۴. قراردادن کنار سطل‌های زباله متعلق به شهرداری

در بسیاری موارد، اشیایی که کنار سطل زباله قرار داده می‌شوند عرفاً دارای ارزش مالی هستند؛ مانند کفش، لباس، گلدان، کمد و قفسه. فرض‌های مختلفی درباره این حالت متصور است:

أ. شیء مدّ نظر از لحاظ حجم، قابلیت قرارگرفتن در سطل زباله را داشته باشد؛ در این صورت، قراردادن آن در سطل زباله را می‌توان قرینه‌ای بر این دانست که مالک می‌خواهد شخص نیازمند آن را بردارد. بنابراین، از آنجاکه شیء مدّ نظر به قصد تملیک به اشخاصی که به آن نیاز دارند در کنار سطل گذاشته شده، می‌توان اقدام مالک را ایجابی برای تملیک یا اباحه عام و بلاعوض به اشخاص نیازمند محسوب کرد و با برداشتن آن توسط شخص نیازمند، قبول ایجاب تحقق می‌یابد. نتیجه اینکه، این‌گونه اشیاء توسط اشخاص نیازمند قابل تملک هستند و تا زمانی که مقرراتی درباره وضعیت حقوقی آن‌ها وضع نشده است، نهادهای جمع‌آوری زباله نمی‌توانند مزاحم اشخاص در برداشتن و تملک آن‌ها شوند.

البته از آنجاکه این‌گونه اشیاء طبق فرض، زائد و پسماند به شمار می‌روند و مالک می‌داند که اگر تا زمان خاصی برداشته نشوند متصدی جمع‌آوری زباله آن‌ها را در راستای وظیفه خود برخواهد داشت، قصد تملیک مالک، موقت و زمان‌مند است و اگر کسی آن‌ها را تا زمان مقرر برای جمع‌آوری پسماند بر ندارد، متصدی آن‌ها را بر می‌دارد و در ملکیت وی وارد می‌شود.

ب. شیء مدّ نظر حجیم باشد و سطل زباله گنجایش آن را نداشته باشد؛ در این صورت، قرینه مذکور در حالت بالا وجود ندارد و از این رو، نسبت به قصد مالک دو حالت وجود دارد: اول اینکه، همانند حالت سابق، قصد وی ایجاب تملیک یا اباحه بلاعوض تلقی شود و دوم اینکه، صرفاً اعراض از ملک محسوب شود اما از آنجاکه مالک با آن همانند شیء زائد و پسماند رفتار کرده است، می‌توان قصد مالک را بر اعراض حمل کرد؛ چراکه امروزه باتوجه به وجود مراکز و نهادهایی برای جمع‌آوری این‌گونه اشیاء برای اشخاص نیازمند، مالک اگر تمایل داشت می‌توانست آن‌ها را به این‌گونه مراکز بسپارد یا حتی اگر قصد فروش آن‌ها را داشت می‌توانست آن‌ها را به مغازه‌های سمساری یا اشخاص دوره‌گردی که به خرید این اشیاء می‌پردازند بفروشد. بنابراین، خواه قصد مالک حمل بر ایجاب تملیک یا اباحه بلاعوض شود و خواه بر اعراض،

اشیای مذکور قابل تملک توسط اشخاص خصوصی است و اگر کسی آن را حیازت یا تملک نکند، آن را متصدی جمع‌آوری تصرف می‌کند و به ملک وی وارد می‌شود.

نتیجه‌گیری

گذاردن اموالی مانند کفش و لباس کنار سطل زباله (و نه داخل آن) قرینه بر این است که مالک قصد دارد شخص نیازمند یا هر شخصی که مایل باشد آن را بردارد و استفاده کند. در این باره، قصد اباحه یا تملیک بلاعوض سبب خروج شیء از ملک مالک نمی‌شود. از این رو، اگر مالک پشیمان شود می‌تواند دوباره به آن شیء رجوع و آن را تملک کند.

انداختن پسماندهای فاقد مالیت عرفی در سطل زباله موجب خروج آن از قلمرو حق اختصاص متصرف سابق و وارد شدن در قلمرو حق اختصاص مالک سطل زباله می‌شود. این گونه پسماندها در صورتی که پس از انباشته شدن یا بازیافت دارای ارزش مالی شوند، به ملکیت متصدی جمع‌آوری یا بازیافت وارد می‌شود.

پسماندهای دارای مالیت عرفی که در سطل‌های متعلق به اشخاص خصوصی گذاشته می‌شود، به تملک مالک سطل وارد می‌شود.

گذاردن پسماندهای دارای مالیت عرفی داخل سطل‌های زباله عمومی، ظهور در اعراض از ملک دارد اما به ملک مالک سطل یا متصدی جمع‌آوری زباله وارد نمی‌شود و از این رو، اشخاص دیگر می‌توانند آن‌ها را تصرف و تملک کنند.

همه اقسام زباله؛ اعم از اینکه فاقد یا واجد مالکیت عرفی باشد، پس از جمع‌آوری به ملکیت یا قلمرو حق اختصاص شهرداری وارد می‌شود. پسماندهایی که جمع‌آوری و انباشته شده‌اند؛ خواه به همان صورت دارای ارزش مالی باشند یا پس از بازیافت به مال باارزش تبدیل شوند، مملوک متصدی جمع‌آوری و بازیافت هستند. اقدام متصدی (مانند شهرداری) در جمع‌آوری و بازیافت زباله را نمی‌توان اداره مال غیر دانست، وگرنه باید حکم مال مجهول‌المالک یا مشاع را بر زباله‌های جمع‌آوری شده یا بازیافت شده مترتب کرد و این نتیجه را عرف و ذوق سلیم نمی‌پذیرد.

امروزه پسماند بعد از جمع‌آوری و بازیافت و حتی قبل از آن دارای ارزش مالی است و ابهام در مالکیت آن ممکن است موجب اختلاف و نزاع شود. باتوجه به اینکه جمع‌آوری و بازیافت زباله امروزه از کارهای عمومی دولت‌ها به شمار می‌رود، صرف تبیین حکم مسئله از لحاظ فقهی و حقوق خصوصی کافی به نظر نمی‌رسد. از این رو، شایسته است که دولت مقررات مناسبی برای تعیین حکم مالکیت آن وضع

کند.

منابع

- اصفهانى، محمدحسين. الإجارة. قم: مؤسسة النشر الإسلامى. چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- اصفهانى، محمدحسين. حاشية كتاب المكاسب. قم: انوار الهدى. ۱۴۱۸ق.
- انصارى، مرتضى بن محمدامين. كتاب المكاسب. قم: كنز جہانى بزرگداشت شيخ اعظم انصارى. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- ایروانى، على. جمان السلك فى الإعراض عن الملك. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى. چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- جزایرى، محمدجعفر. نظرة فى الحقوق، احكامها و اقسامها. منتشرشده در ضمن كتاب هدى الطالب فى شرح المكاسب. قم: دار الكتاب. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- جمعى از پژوهشگران. موسوعة الفقه الإسلامى طبقاً لمذهب اهل البيت (ع). زیر نظر سيد محمود هاشمى. قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت (ع). چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- حسينى حائرى، كاظم. فقه العقود. قم: مجمع انديشه اسلامى. چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
- خمينى، روح الله. المكاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- خمينى، روح الله. تحرير الوسيلة. نجف: الآداب. چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
- خمينى، روح الله. توضيح المسائل (محشّى). قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.
- خوئى، ابوالقاسم. منهاج الصالحين. قم: مدينة العلم. چاپ بيست و هشتم، ۱۴۱۰ق.
- شهيدى، مهدى. تشكيل قراردادها و تعهدات. تهران: مجد. چاپ دوم، ۱۳۸۰
- شهيد ثانى، زين الدين بن على. مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه. چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- فخرالمحققين، محمد بن حسن. ايضاح الفوائد فى شرح مشكلات. قم: اسماعيليان. چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
- قزوینى، على موسى. ينابيع الأحكام فى معرفة الحلال و الحرام. قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- كاتوزيان، ناصر. اموال و مالکیت. تهران: ميزان. چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- محقق حلى، جعفر بن حسن. شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام. قم: اسماعيليان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- محقق داماد، مصطفى. قواعد فقه. تهران: مركز نشر علوم اسلامى. چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الأذهان. قم: مؤسسه النشر الإسلامى. چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- نائینى، محمدحسين. منية الطالب فى حاشية المكاسب. تهران: المكتبة المحمدية. چاپ اول، ۱۳۷۳ق.

<https://behroob.ir/articles/articles> (دسترسی در ۱۳/۰۴/۱۴۰۲).

<https://behroob.ir/articles/articles> (دسترسی در ۱۳/۰۴/۱۴۰۲).

<https://etojahi.com/composting-from-urban-waste> (دسترسی در ۱۳/۰۴/۱۴۰۲).

<https://www.zistonline.com/news/79135> (دسترسی در ۱۳/۰۴/۱۴۰۲).

Transliterated Bibliography

Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *Kitāb-i al-Makāsib*. Qum: Kungirah-yi Jahānī Buzurgdāshṭ Shaykh A'zam Anṣārī. Chāp-i Awwal, 1995/1415.

Fakhr al-Muḥaqqiqīn, Muḥammad ibn Ḥasan. *Īdāh al-Fawā'id fi Sharḥ Mushkilāt*. Qum: Ismā'īliyyān. Chāp-i Awwal, 1967/1387.

Ḥillī (Muḥaqqiq). Ja'far ibn Ḥasan. *Sharā'i' al-Islām fi Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Mū'assisa Ismā'īliyyān, Chāp-i Duvvum, 1988/1408.

Ḥusaynī Ḥā'irī, Kāzim. *Fiqh al-'Uqūd*. Qum: Majma' Andīshih-yi Islāmī. Chāp-i Duvvum, 2002/1423.

Īrawānī, 'Alī. *Jumān al-Silk fi al-'Irāḍ 'an al-Milk*. Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād Islāmī, Chāp-i Awwal, 1986/1406.

Isfahānī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Ijārah*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Duvvum, 1989/1409.

Isfahānī, Muḥammad Ḥusayn. *Hāshiyā Kitāb-i al-Makāsib*. Qum: Anwār al-Hudā. 1997/1418.

Jam'ī az Pazhūhishgarān. *Mawsū'at al-Fiqh al-Islāmī Tibqa li-Mazhab-i Ahl-i Bayt(AS)*. zīr naẓar Sayyid Maḥmūd Ḥāshimī. Qum: Mū'assisa Dāyra al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī bar Mazhab Ahl-i Bayt(AS). Chāp-i Awwal, 2002/1423.

Jazāyri, Muḥammad Ja'far. *Nazāra fi al-Huqūq, Ahkāmāhā va Aqsāmāhā*. Muntashir Shudih dar Ḍimn-i Kitāb *Hudā al-Ṭālib fi Sharḥ al-Makāsib*. Qum: Dār al-Kitāb. Chāp-i Awwal, 1995/1416.

Kātūziyān, Nāṣir. *Amvāl va Mālikiyat*. Tehran: Mizān, Chāp-i Duvvum, 1988/1408.

Khū'i, Abū al-Qāsim. *Minhāj al-Ṣāliḥīn*. Qum: Madīnah al-'Ilm. Chāp-i Bist va Hashtum, 1990/1410.

Khumaynī, Rūḥ Allāh. *al-Makāsib al-Muḥarramah*. Qum: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āsar-i Imām Khumaynī. Chāp-i Awwal, 1995/1415.

Khumaynī, Rūḥ Allāh. *al-Tawḍīḥ al-Masā'il (al-Muḥashshī)*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Hashtum, 2003/1424.

Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Taḥrīr al-Wasīlah*. Najaf: al-Ādāb. Chāp-i Duvvum, 1970/1390.

Muḥaqqiq Dāmād, Muṣṭafā. *Qawā'id Fiqh*. Tehran: Markaz-i Nashr-i 'Ulum Islāmī. Chāp-i Davāzdahum, 1986/1406.

Muqaddas Ardabīlī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Majma' al-Fā'ida wa al-Burhān fī Sharḥ Irshād al-Adhhān*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 1983/1403.

Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn. *Munya al-Tālib fī Ḥāshiya al-Makāsib*. Tehran: al-Maktaba al-Muḥammadiya. Chāp-i Awwal, 1995/1373.

Qazwīnī, 'Alī Musawī. *Yanābi' al-Aḥkām fī Ma'rifa al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. Chāp-i Awwal, 2003/1424.

Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'i' al-Islām*. Qum: Mū'assisa al-Ma'ārif al-Islāmīyya. Chāp-i Awwal, 1993/1413.

Shahīdī, Mahdī. *Tashkīl Qarārdād-hā va Ta'ahhudāt*. Tehran: Majd. Chāp-i Duvvum, 2002/1380.